

The approach of the Islamic Republic to the protection of the right to culture and education of religious minorities

Saeed Nasrollahzadeh*

Received: 2017/12/01

Seyed MohammadJavad HeidariManesh**

Accepted: 2018/02/07

The will of the founding power of the revolutionaries in establishing the Islamic Republic was based on the stability of Islamic laws in society, so the Islamic Republic was approved. In the realization of the revolution, the role of religious minorities along with other peoples was colorful. They played an active role in realizing their fundamental rights and freedoms. Therefore, after the victory of the revolution, rules were enacted to guarantee and secure their rights. This study seeks to prove the realization of citizenship rights of religious and religious minorities in Iran in the field of cultural and spiritual rights by emphasizing the right of minorities to education. In this study, while emphasizing the library method, by studying the laws, regulations and binding documents, we examine the approach of the legal system of the Islamic Republic and answer the question whether the cultural and spiritual rights of minorities, especially their right to education. Has it been realized in the system of the Islamic Republic? The meaning of minority is assumed in the same sense as prescribed in the constitution. Finally, after reviewing and analyzing the legal materials, the realization of these rights has been confirmed by the government and we conclude that minorities in the legal system of the Islamic Republic in terms of guaranteeing cultural and spiritual rights, especially the right to education from a privileged position And have a high.

Keywords: religious minorities, religious minorities, right to education, constitution, right to culture, spiritual right.

* MSc Student of Public law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author).

saeednasrolah@gmail.com

** MSc Student of Public law, Qom University, Qom, Iran.

heydarimaneshmohammad@gmail.com

دوفصلنامه علمی حقوق بشر و شهروندی، مقاله پژوهشی، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص. ۱۸۳-۲۰۶

رویکرد نظام جمهوری اسلامی به صیانت از حق فرهنگ و آموزش اقلیت‌های دینی و مذهبی

سعید نصرالله‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰

سیدمحمدجواد حیدری‌منش**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

چکیده

اراده قدرت مؤسس انقلابیون در تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر استواری قوانین اسلامی در جامعه بود به همین جهت جمهوری اسلامی تأیید شد. در تحقق انقلاب نقش اقلیت‌های دینی و مذهبی پایه‌پای سایر مردم پررنگ بود. آنها در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی خود نقش‌آفرینی فعال داشتند. به همین جهت پس از پیروزی انقلاب قواعدی به منظور تضمین و تأمین حقوق آنها وضع شد. این پژوهش درصدد اثبات تحقق حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی و مذهبی ایران در حوزه حقوق فرهنگی و معنوی با تأکید بر حق آموزش اقلیت‌هاست. در این پژوهش ضمن تأکید بر روش کتابخانه‌ای، با مطالعه قوانین، مقررات و اسناد الزام‌آور به بررسی رویکرد نظام حقوقی جمهوری اسلامی می‌پردازیم و به این سؤال جواب می‌دهیم که آیا حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌ها به ویژه حق آموزش آنها در نظام جمهوری اسلامی تحقق یافته است؟ معنای اقلیت به همان معنای مقرر در قانون اساسی مفروض است. در نهایت پس از بررسی‌ها و با تحلیل مواد قانونی تحقق این حقوق از سوی دولت تأیید شده و به این نتیجه می‌رسیم که اقلیت‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی از لحاظ تضمین حقوق فرهنگی و معنوی به ویژه حق بر آموزش از جایگاه ممتاز و رفیعی برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های مذهبی، حق آموزش، قانون اساسی، حق فرهنگ، حق معنوی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

saeednasrolah@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران.

heydarimaneshmohammad@gmail.com

مقدمه

تأمین حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی به ویژه حق آموزش این قشر علی‌رغم سطح بالای تأمین و تضمین‌شدگی مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است. در این پژوهش در ابتدا به تعریف این حقوق می‌پردازیم و با مختصر اشاره‌ای به وضعیت این حقوق در تاریخ ایران با بررسی دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی موجود در این خصوص به بیان مواردی می‌پردازیم که حتی ورای قانون اساسی حقوقی را برای این اشخاص تأمین و تضمین کرده است. سپس با مطالعه رویه‌های موجود به آزمون سربلند نظام جمهوری اسلامی در این خصوص می‌پردازیم. در جریان این پژوهش به دلیل شرایط اضطراری ناشی از انتشار و همه‌گیری ویروس کرونا و محدودیت استفاده از منابع مطالعاتی کتابخانه‌ای محدودیت‌های جدی وجود داشت. همچنین مسدودی سامانه پارسای نسخه گنج ایرانداک و بازگشایی دیرنگام این سامانه از مشکلات موجود در انجام این پژوهش بود.

۱. حق بر فرهنگ و برخورداری از آن

با توجه به تفاوت مبنایی حق معنوی در ادبیات حقوقی غرب و اسلام و همچنین دو دیدگاه رایج در غرب نسبت به حقوق بشر بدین صورت که جریانی قائل به وجود حقوق طبیعی و جریانی قائل به وجود قرارداد اجتماعی به عنوان منشأ حقوق می‌باشد، لازم است که تعریفی جامع و مانع از حقوق معنوی ارائه دهیم. بر خلاف نظر عده‌ای که حقوق معنوی را مترادف با حقوق اخلاقی یا حقوق مربوط به شخصیت می‌دانند حقوق معنوی معنایی اعم از این دو مفهوم دارد و شامل مفهومی است که در جهت صیانت و حمایت از مصالح معنوی انسان ایجاد شده و محدوده این مصالح برگرفته از مصالح ضروری پنج‌گانه حاصل از استقرار شریعت است. این مصالح پنج‌گانه شامل: ۱- مصلحت دین و اعتقادات مذهبی، ۲- نفس و تمامیت جسمی و روحی، ۳- آبرو و شرافت، ۴- قوه عاقله، ۵- مصلحت مال انسان (مظهرقراملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۸۱). به معنای دقیق‌تر کلیه حقوقی که در جهت صیانت از مصالح غیرمادی وجود (شامل مصلحت دین و اعتقادات مذهبی، نفس و تمامیت روحی، آبرو و شرافت، قوه عاقله و فرآورده‌های عقل) جزء مصادیق حقوق معنوی می‌باشند. پس می‌توان برگزاری مراسمات

دینی و اعتقادی و رسوم مربوط به آن را مصداقی از حقوق معنوی افراد جامعه دانست و آموزش اعتقادات دینی را نیز مسامحتاً لازمه برخورداری از این حقوق بیان کرد. به عبارتی آموزش اعتقادات مذهبی و دینی از منظر اسلام از لوازم صیانت و حمایت از این مصلحت می‌باشد. حال با توجه به جامعیت اسلام و این که پیروان سایر ادیان آسمانی در صورت رعایت این موارد و قوانین تحت حمایت دین اسلام قرار می‌گیرند و در نتیجه باید از حقوق معنوی و آموزش آن نیز بهره‌مند گردند.

۲. حق بر معنویت و گستره آن

انسان موجودی اجتماعی است و لازمه زندگی انسان، وجود جامعه و زندگی اجتماعی است. از آنجاکه فرهنگ ملازمه قطعی با زندگی انسان دارد و زندگی او بدون فرض فرهنگ محال است بنابراین یکی از ملازمات زندگی انسان برخورداری او از فرهنگ است. اما زندگی انسان بدون فرهنگ ممکن نیست، زیرا زندگی انسان مستلزم زندگی اجتماعی اوست و زندگی اجتماعی او مستلزم فرهنگ است (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶، ص. ۸۷).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلاف‌اند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و...»^۱ (هود، آیه ۱۱۸)، همچنین در سوره حجرات می‌فرماید: «ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست»^۲ (حجرات، آیه ۱۳). مطابق با سخن حق تعالی انسان‌ها متفاوت می‌باشند و از همین تفاوت‌ها است که فرهنگ‌های گوناگون شکل می‌گیرد. مطابق با نظر شرع مقدس حق فرهنگ و برخورداری از آن حقی مشروع حتی برای سایر فرهنگ‌ها و ادیانی که در سرزمین اسلامی مستقر هستند تلقی می‌شود (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶، ص. ۷۳).

فرهنگ، مفهومی است که بنابر نقلی، یکی از دو سه واژه پیچیده زبان انگلیسی است و واژه‌ای کهن در زبان فارسی است (میلنر و براویت، ۱۳۸۴، ص. ۹) که نه تنها در نخستین متن‌های نثر فارسی دری، بلکه در نوشته‌های بازمانده از زبان پهلوی نیز یافت می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ص. ۲۸). در زبان عربی از آن به ثقافه تعبیر شده، که به معنای

فراگرفتن دانش و هنر و ادبیات است مطابق با تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی فرهنگ، عبارت است از نظام‌وارهای از عقاید و باورهای اساسی ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.

زندگی انسان مستلزم زندگی اجتماعی اوست و زندگی اجتماعی او مستلزم فرهنگ است پس نتیجتاً زندگی اجتماعی مستلزم فرهنگ می‌باشد. به عبارتی فرهنگ نیز بدون حق برخورداری از آن مفهومی بی‌معناست پس باید برخورداری از آن را حق طبیعی انسان بدانیم.

همچنین مصادیق برخورداری فرهنگی عبارت است از فعل یا ترک فعلی که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در حوزه‌های مرتبط فرهنگ تحقق یابد، می‌تواند مصادیقی از برخورداری فرهنگی باشد (نوریان و آدینه، ۱۳۹۶، ص. ۷۳) که با روایات و نظرات فقهی نیز هماهنگ است. به عنوان مثال شرکت در مراسم مذهبی، جشن‌ها و اعیاد مناسبتی شهروندان با هر مسلکی، نمود اعتقادات و باورهای اساسی در زندگی فردی یا اجتماعی آنان است. در صورتی که حاکم آن جامعه فرد مسلمانی باشد برخورداری فرهنگی غیرمسلمانان که مبنای اعتقادیشان از سوی حاکمیت به رسمیت شناخته شده باشد مشروط به عدم تجاهر به خلاف احکام اسلامی است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ص. ۲۶). با رعایت این شرط اقلیت‌های مذهبی می‌توانند، با آزادی تمام و بدون هیچ‌گونه منع قانونی از تمامی مصادیق برخورداری فرهنگی خویش بهره‌مند گردند.

قانون اساسی کشور ما بر مبنای اسلام تدوین شده و به همین جهت فرهنگ و حقوق فرهنگی در آن جایگاه ویژه‌ای دارد. طبق مقدمه این قانون اصولاً حکومت از دیدگاه اسلام، تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. از این رو قانون اساسی هدف از حکومت را رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی (والی الله المصیر) می‌داند تا زمینه بروز و شکوفایی استعداد‌های انسانی فراهم آید. اصول متعدد قانون اساسی هم دربردارنده تأکید بر حقوق فرهنگی است؛ به گونه‌ای که در اصل ۲۰ به صراحت از آن یاد شده است همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصطلاح اقلیت از نظر حقوقی افرادی را شامل می‌شود که از جهات مختلف اقتصادی، سیاسی و... حاکم نبوده و نقش کم‌رنگی را در این مسائل ایفا می‌کنند (زارعی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۴۹).

اصطلاح اقلیت که غالباً از نظر حقوقی با ویژگی‌های زبانی، قومی و دینی همراه است دربرگیرنده آن دسته از گروه‌های انسانی است که در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می‌برند به بیان دیگر اقلیت‌ها به قسمتی از افراد یک جامعه گفته می‌شود که دین، زبان و نوع زندگی و فرهنگ آنان با دیگر افراد جامعه یکسان نیست. در اینکه تعریف اقلیت چیست یا چه می‌تواند باشد همواره بحث و جدل وجود داشته است که ارائه یک تعریف جامع و کامل را دشوار می‌سازد. با تصویب ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) سه گونه اقلیت مذهبی، قومی و زبانی در حقوق بین‌الملل شناسایی شدند. اقلیت ملی نیز با اعلامیه ۱۹۹۲ وارد حقوق بین‌الملل شد. این اعلامیه تنها سند بین‌المللی است که در آن هم از واژه اقلیت استفاده شده و هم به انواع چهارگانه اقلیت یعنی اقلیت‌های مذهبی، قومی، زبانی و ملی اشاره شده است. علی‌رغم شناسایی چهارگونه اقلیت در حقوق بین‌الملل، تعریف مستقیمی از اقلیت در اسناد بین‌المللی نشده است و صرفاً از جانب سازمان ملل تعاریف و مشخصه‌هایی برای اقلیت احصا شده‌اند این مشخصه‌ها عبارتند از: ویژگی‌های قومی، ملی، مذهبی یا زبانی یک گروه که با گروه‌های داخل در حاکمیت متفاوت‌اند. در حقیقت برای اینکه گروهی اقلیت محسوب شوند باید: اولاً از لحاظ تعداد کم باشند و از نظر نژاد، مذهب و نظایر اینها متفاوت باشند؛ ثانیاً حاکمیت را در دست نداشته باشند (زارعی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۹۱). با این تعاریف جمعیت اهل سنت به عنوان اقلیت مذهبی و جمعیت‌های کلیمی و ارمنی و زرتشتی به عنوان اقلیت‌های دینی در این پژوهش مطرح می‌گردند.

۳. تاریخچه حقوق اقلیت‌ها در ایران

در طول تاریخ سرزمین ایران پهنای گسترده‌ای برای زندگی افراد با دارا بودن عقاید مختلف بوده است.

۳-۱. پیش از اسلام

اقوام ایرانی ابتدا در سراسر فلات ایران پراکنده شدند و تا پیش از هزاره اول پیش از میلاد سکونتگاه‌های دائمی خود را بنا کردند. ادیان ایران باستان را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد: ۱- زرتشت، ۲- مانویت، ۳- مسیحیت، ۴- مزدکیه. البته دین یهود نیز یکی از ادیان موجود در آن زمان می‌باشد، اما به علت کم بودن جمعیت آنان و تأثیر کم در مناسبات جامعه جزو تقسیم‌بندی فوق قرار نمی‌گیرند. آموزه‌های زرتشت مبنای دین زرتشتی را تشکیل داد که بعدها دین رسمی امپراتوری‌های ایران و سرچشمه فرهنگ ایرانی شد (طاهری، ۱۳۸۴، ص. ۵۰).

آنچه که مسلم است این است که در ایران باستان اقلیت‌های مذهبی و دینی از هیچ حقوقی حتی حق مصونیت جان و مال که از حقوق ابتدایی هر شخص است متمتع نبودند و رویدادهایی نظیر قتل مانی به دستور (کاری) که از وزرای دولت ساسانی می‌باشد شاهد مثالی بر این ادعا هستند. حال سخن گفتن از وجود حقوق فرهنگی و آموزش‌های آن در چنین فضای محلی از اعراب ندارد.

۳-۲. پس از اسلام

پژوهش درباره چگونگی و چرایی ورود اسلام به ایران و گسترش دین اسلام در این سرزمین در قرون اولیه هجری، از مباحثی است که باید آن را در ادیان سابق آن عصر بررسی کرد. دین زرتشت که تا آن زمان دین رسمی کشور ایران محسوب می‌شد به دلیل تحریفات و سوءاستفاده از آن توسط درباریان و از طرف دیگر جذابیت‌های موجود در دین اسلام توان رویارویی با این دین وارد شده و نوظهور را نداشت.

از طرفی مسلمانان برای ترویج و اشاعه دین اسلام از هیچ کوششی فروگذار نبودند. به همین دلیل، امتیازهای فراوانی به قبول‌کنندگان این دین اعطا می‌کردند. جذابیت‌هایی در دین اسلام وجود داشت که باعث می‌شد پیروان سایر ادیان راغب به ترک دین سابق خود شوند از جمله مواردی که سبب گرایش افراد می‌شد بهره‌مندی افراد نو مسلمان از تمام مزایا و محاسن اقتصادی و اجتماعی دین اسلام بود (شریعتی، ۱۳۸۱، ص. ۶۳).

اسلام در راستای کرامت انسانی و عدالت اجتماعی برای تمامی افراد، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، حقوقی قائل است. این حقوق به طور متقابل در ارتباطات افراد با یکدیگر و

با حکومت جاری است. سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به ویژه در مدینه و با تشکیل حکومت نشان دهنده آن است که حتی در صورت غلبه بر دشمن و پیروی اکثریت جامعه از ایشان، باز هم حقوق اقلیت غیرمسلمان را به رسمیت شناخته و به پیروان خویش با تأکید و جدیت رعایت حقوق اقلیت را توصیه می کردند. تاریخ نشان می دهد که گروه های اقلیت آزادانه در جامعه زندگی کرده و نه تنها بر پذیرش دین جدید الزام نمی شدند که گاه مباحثات اعتقادی نیز در حضور مسلمانان با پیامبر داشته و با انگیزه به چالش کشیدن پیامبر با ایشان احتجاج می کردند.

اجازه اسلام به اقلیت های غیرمسلمان برای سکونت در کشور اسلامی مستلزم به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های اجتماعی آنان است. بر این اساس اگر حق اشتغال، مسکن، روابط اقتصادی و اجتماعی و بالاتر از اینها امنیت جانی و مالی در منطقه ای از فرد سلب شود به هیچ وجه توان ادامه سکونت در آنجا را نخواهد داشت و مجبور به ترک آن منطقه خواهد بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با تسامح و گذشت فراوانی حقوق اجتماعی اقلیت ها، همچون حق آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن، حق اشتغال، حق آزادی عقیده و فکر، حق استقلال در احوال شخصیه، حق تعلیم و تعلم، حق روابط اجتماعی با دیگران، حق احترام به شخصیت اجتماعی آنان، حق فرد به عنوان شهروند حق احسان و نیکی به آنان را به رسمیت می شناختند.

اقلیت ها در زمان ظهور اسلام از حقوق معنوی نیز بهره مند بودند بر این اساس آنان حق دارند به طور علنی و رسمی بر دین خود باقی بوده، اعمال عبادی خویش را انجام دهند، معبدی داشته باشند و احوال شخصیشان طبق دین متعلق به خودشان رتق و فتق شود. این حق را پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای اقلیت های دینی که در مدینه یا اطراف آن زندگی می کردند قائل بودند و به حق آنان احترام می گذاشتند. پیامبر از همان آغازی که به مدینه هجرت کردند یهود مدینه را در پیمان همزیستی شرکت دادند و آنان و مسلمانان و کلیه هم پیمانان را یک امت خواندند. آزادی داشتن معبد نیز در اسلام پذیرفته شده و بر همین اساس معابد اهل کتاب در اقصی نقاط کشور اسلامی وجود داشته و دارد. مورخان نقل کرده اند که لشکریان اسلام در جنگ ها هیچ تعرضی به معابد اهل کتاب نداشتند.

۳-۳. اقلیت‌ها پیش از انقلاب اسلامی و عصر مشروطه

در تاریخ ایران عصر مشروطه از اهمیت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که آن را نقطه عطفی در تاریخ ایران می‌دانند. پدیده‌ای که در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، حقوقی تحول ایجاد کرد. برای اولین بار در طول تاریخ ایران سلطنت مطلقه را کنار زده و حقوقی را برای ملت در تعیین سرنوشت اجتماعی خود قائل می‌شود. بی‌گمان در تحقق این پدیده علاوه بر مسلمانان که غایب جمعیت را شامل می‌شدند پیروان سایر ادیان نیز ایفای نقش کردند بسیاری از آنان با خارج از کشور در ارتباط بوده و توانستند نقش مهمی را در آگاهی‌بخشی به مردم ایفا کنند. به عقیده مورخان زندگی اقلیت‌های دینی در سده نوزدهم بسیار دشوار بوده در حالی که غیرمسلمانان تا سال ۱۸۸۴ به پرداخت جزیه ملزم بودند و می‌بایست که شرایط بهتری می‌داشتند (رنجبر، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۸). به عقیده برخی این دشواری صرفاً به دلیل تعصبات دینی و مذهبی نبوده بلکه گاهی احساسات مردم توسط افرادی سودجو که نفع خود را در سرکوب این اقلیت‌ها می‌دانستند ایجاد شده است. این شرایط دشوار که اغلب ناشی از بی‌توجهی حکومت وقت بود سبب گشت تا اقلیت‌های عمده دینی نظیر زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان با انقلاب مشروطه همراه گردند و در این مسیر از هیچ کمکی اعم از مالی یا آگاهی‌بخشی به انقلابیون دریغ نکنند (رنجبر، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰). علی‌الخصوص اقلیت‌هایی که با آنسوی مرزها ارتباط داشتند و می‌توانستند شرایط موجود را با سایر جوامع مقایسه کنند این شرایط دشوارتر می‌بود. این افراد نهضت مشروطه را نقطه امیدی برای احقاق حقوق مغفول خود می‌دانستند و توانستند با تشکیل انجمن‌هایی به سازماندهی هم‌فکرانشان اقدام کنند که از جمله آنها می‌توان به انجمن‌های آرامنه، زرتشتیان و یهودیان اشاره نمود. برخی از این انجمن‌ها دغدغه اصلی خود را رفع تبعیض و احقاق حقوق خود می‌دانستند به طوری که در نظام‌نامه آنها یکی از هدف‌های تأسیس انجمن دستیابی به حقوق برابر بدون در نظر گرفتن مذهب دین و نژاد و منصب می‌باشد. علاوه بر زرتشتیان، ارمنیان نیز فعالیت‌هایی برای پیروزی انقلاب مشروطه انجام دادند و این ایستادگی آنان سبب گردید تا برخلاف دیگر اقلیت‌ها که یک کرسی در مجلس ملی تصاحب کردند ارمنیان دارای دو کرسی باشند.

علاوه بر داشتن حقوقی که در بالا متذکر شدیم این اقلیت‌ها در برگزاری آیین‌های مذهبی خود کاملاً آزاد بودند. البته در زمان پهلوی نیز اقداماتی در جهت تزیین حقوق

اقلیت‌های دینی و مذهبی صورت گرفت که نمونه آن جابه‌جایی یا کوچ اجباری اقلیت‌های قومی و مذهبی از غرب ایران به مرکز و شرق کشور بود که فارغ از اهدافی که در این کوچ اجباری نهفته بود سبب شد تا زمینه تضييع حقوق این اقلیت‌ها ایجاد شود به نوعی که می‌توان این‌گونه برداشت کرد که این انتقال اجباری سبب گشت تا اقلیت‌ها که نوعی خرده‌فرهنگ محسوب می‌شدند در دل اکثریت جامعه محو گردند.

۴. حق بر فرهنگ و معنویت اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی

تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین ایران زندگی مسالمت‌آمیز همه اتباع آن را به آنان آموخته بود. ظلم و جور طاغوت باعث شده بود همه ایرانیان صرف‌نظر از دین و مذهب به مبارزه با طاغوت بپردازند. لذا پیروزی انقلاب اسلامی با همراهی آحاد مردم صرف‌نظر از اعتقادات آنها در جهت تحقق حقوق بنیادین بشر و شهروندی و رفع هرگونه انحصار و تبعیض در جهت بهره‌مندی ملت از منافع ملی بود.

۴-۱. نگاه فقهی

حقوق اقلیت‌ها از مباحث مهم حقوق بشر و شهروندی است که از صدر اسلام مورد توجه بوده است (اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۷، ص. ۴۰). در خصوص اقلیت‌های مذهبی در صدر اسلام به دلیل عدم انشقاق در اسلام از سیره حضرت رسول نمی‌توان به نتیجه خاصی رسید. در خصوص اقلیت‌های دینی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آنها را در حفظ آیین خود و انجام مراسم دینی آزاد گذاشت. در پیمان عمومی با یهود و پیمان با سه گروه معروف یهود (بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی نظیر) در برابر تعهداتی که آنها به عهده گرفتند به آزادی آنها در حفظ آیین خود و دفاع از آنها در صورت وقع جنگ بین آنها و دیگران اشاره کردند. در پیمانی که بین پیامبر و نصارای نجران منعقد شد پیامبر بر آزادی آنها در حفظ آیین خود تأکید و اعلام کردند که کشیشان آنها از کار بر کنار نخواهند شد (اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۷، ص. ۴۰).

در خصوص حقوق معنوی و فرهنگی اقلیت‌ها به ویژه حق آموزش و پرورش اقلیت‌های مذهبی به جهت اشتراک در مبانی اعتقادی بلاشک دارای حقوق شهروندی برابر با شیعیان هستند. در این خصوص همه شهروندان مسلمان و غیرمسلمان در

تأسیس مدارس، انتخاب نوع آموزش و محتوای کتب آموزشی فرزندان، آزادی تام داشته و دولت اسلامی حق ندارد آموزش خاصی را به آنها تحمیل کند. زیدان در این زمینه می‌نویسد: «اهل ذمه حق دارند فرزندان را بر اساس دین خود آموزش داده و در این زمینه مدارس خصوصی برای خود داشته باشند... اما آنان اجازه ندارند از این آزادی سوءاستفاده نموده و با استناد به آزادی در آموزش پرورش در دولت اسلامی، مسلمانان را به خروج از اسلام تشویق کنند» (باقری، ۱۳۹۲، ص. ۸۳).

۲-۴. نگاه قانون اساسی

مبنای قانونی شناسایی حقوق شهروندی ویژه اقلیت‌های دینی در اصل چهاردهم قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق آن فراز از اصل ۱۴ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنها را رعایت کنند. حقوق انسانی اقلیت‌های مذهبی در نظام جمهوری اسلامی ایران فراتر از چارچوب‌های نظری حقوق بشر و شهروندی در جایگاه ممتازی قرار گرفته است. بدین معنی که یک سری امتیازات ویژه‌ای برای اقلیت‌های مذهبی به عنوان حقوق شهروندی آنها مورد شناسایی قرار گرفته است که عمدتاً در قوانین عادی به آنها پرداخته می‌شود.

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی اقلیت‌های دینی و مذهبی در جهت صیانت از حقوق بنیادین این دسته از اقلیت‌ها حضور داشتند و برخی ابتکارات در متن اصول مربوطه آنها از ابتکارات و پیشنهادات آنها است.

۳-۴. نگاه اسناد بین‌المللی

اولین سند بین‌المللی که تحصیلات را داخل در حقوق بشر و شهروندی آورد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ماده ۲۶ اعلامیه تعلیمات ابتدایی را از حقوق بنیادین انسان‌ها معرفی کرده است. آموزش و پرورش مطابق این ماده باید بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی و مذهبی توسعه فعالیت‌های ملل را در جهت حفظ صلح تسهیل کند. مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تحقق امکان دسترسی اقلیت‌ها به آموزش و پرورش اشاره دارد. حق آموزش در کنوانسیون یونسکو ضد تبعیض در

آموزش مورد تأکید قرار گرفته است و در ماده یک آن ضمن اعلام می‌دارد دولت‌ها برای تمام افراد صرف‌نظر از اقلیت بودن آنها باید امکانات لازم را در این زمینه فراهم کنند (خداپرست سنگانی، ۱۳۹۴، ص. ۹۷).

۴-۴. نگاه قوانین عادی

در خصوص مرعی بودن حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌ها در قوانین عادی صحبت زیاد است و قوانین مختلفی در جهت تأکید بر رعایت حقوق شهروندی این قشر تصویب شده است. از جمله مهمترین این قوانین می‌توان به قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی (۱۳۷۲)، قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم (۱۳۱۲) و حتی مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران که در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۳ به تصویب آقایان کشیشان و هیئت‌های مدیره کلیساهای پروتستان ایران رسیده و پس از اصلاحاتی نهایی شده اشاره کرد. در خصوص قوانینی که به حقوق آموزشی اقلیت‌های دینی و مذهبی در جمهوری اسلامی مربوط می‌شود باید از قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۶) آغاز کرد. در فصل اول این قانون که اختصاص به اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش دارد تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش‌آموزان از طریق تبیین و تعیین اصول و معارف احکام دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی‌عشری بر اساس عقل، قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام)^۳ مورد تأکید قرار گرفته است لیکن مقنن با به رسمیت شناختن حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌های مذهبی، وزارت آموزش و پرورش را موظف کرده است طبق اصل ۱۲ قانون اساسی در مناطقی که پیروان دیگر مذاهب اسلامی سکونت دارند ترتیبی اتخاذ نماید که آموزش تعلیمات دینی دانش‌آموزان مطابق فقه مذهب آنان باشد. در همان ماده قانونی با افزودن قید دیگری به اصل، اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی در تألیف کتب درسی دینی و تدریس آنها بر اساس کتب دینی و آیین و سنت خود در مدارس خود با نظارت وزارت آموزش و پرورش آزاد هستند. بر همین اساس وزارت آموزش و پرورش کتاب خاصی را برای اقلیت‌های دینی به عنوان کتاب درس معارف آنها تحت عناوین مختلف نظیر هدیه‌های آسمانی ویژه اقلیت‌های دینی یا تعلیمات ادیان

الهی و اخلاق تدوین کرده و در مدارس به دانش‌آموزان تدریس می‌شود. این کتاب منبع رسمی سوالات کنکور نیز می‌باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدارس خاص اقلیت‌های دینی کما فی‌السابق به کار خود ادامه داد و حتی اقلیت‌های دینی اجازه تأسیس مدارس غیرانتفاعی خاص را هم به موجب قانون اصلاح قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی پیدا کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تسهیلاتی برای جذب کادر آموزشی در مدارس اقلیت‌های دینی از میان داوطلبان اقلیت‌های دینی بوجود آمد و اقلیت‌ها عهده‌دار مدیریت مدارس خاص اقلیت‌ها شدند.^۴ علاوه بر این در خصوص برخی از اقلیت‌های دینی تدریس در مدارس خاص آنها با زبان مادری آنها سطح بالایی از حق بر آموزش را برای این افراد به ارمغان آورده است.

فراتر از این شورای عالی انقلاب فرهنگی در جهت تکریم حقوق معنوی اقلیت‌های دینی کلیمی و رسیدگی به امور مذهبی آنها با به رسمیت شناختن حق آموزش این افراد به عنوان حقی فرهنگی برای شهروندان در مصوبه جلسه ۲۱۰ مورخ هشتم اسفند ۱۳۶۸^۵ با تعطیلی روزهای شنبه مدارس کلیمیان موافقت کرده است که این مصوبه در نوع خود بی‌نظیر است. بسیاری از کشورهای مدعی رعایت حقوق بشر و شهروندی از بدیهی‌ترین حق دانش‌آموزان مسلمان در حفظ حجاب امتناع می‌کنند و این در حالیست که در نظام جمهوری اسلامی ایران با وجود آنکه مطابق قانون اساسی روز جمعه روز تعطیل رسمی است لیکن مدارس خاص اقلیت‌های کلیمی با یک تبعیض مثبت به منظور رسیدگی دانش‌آموزان به امور دینی آنها و توأمان شدن تحصیل با تهذیب مواجه هستند.

در خصوص اقلیت‌های مذهبی هم شرایط مشابهی وجود دارد. بدین صورت که وزارت آموزش و پرورش کتاب‌هایی را با عنوان ضمیمه کتاب هدیه‌های آسمانی یا ضمیمه کتاب دین و زندگی ویژه اهل تسنن چاپ و منتشر کرده است که در آن معارف ویژه اهل تسنن با توجه به فقه آنها تألیف شده است. در مدارس مناطقی که از حیث جمعیت تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان از اقلیت‌های مذهبی باشند کلاس معارف ویژه آنها تشکیل می‌شود و در حقیقت حق آموزش این دسته از شهروندان با توجه به ویژگی‌های انحصاری آنها تضمین می‌شود.

قطع نظر از موارد فوق مقرراتی هم در خصوص تأسیس مدارس دینی خاص اقلیت‌ها وجود دارد. از جمله آنها می‌توان به مصوبه کارگروه منتخب شورای عالی انقلاب فرهنگی بنا به تفویض جلسه ۶۱۳ شورا در خصوص اساسنامه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور^۶ اشاره کرد.

اقلیت‌ها در ایران برای موضوعات مربوط به آموزش و ترویج علم با بیشترین آزادی و تضمین حقوق شهروندی از سوی دولت مواجه هستند. اقلیت‌های دینی و مذهبی با دارا بودن مجوز رسمی انتشار مجلات نیز می‌توانند در پناه قانون نسبت به ترویج معارف خود اقدام کنند.

۴-۵. نگاه مقررات و منشور حقوق شهروندی

بخشی از نگاه‌های حقوقی در جمهوری اسلامی نسبت به حق فرهنگی و معنوی با تأکید بر حق آموزش اقلیت‌های دینی و مذهبی در گفتارهای پیشین مورد اشاره قرار گرفت. در این زمینه منشور حقوق شهروندی حاوی هیچ توصیه یا هنجاری نیست و حتی نام اقلیت‌های دینی و مذهبی در این منشور ذکر نشده است. هر چند اصل این منشور در سلسله مراتب هنجارهای نظام حقوقی تفسیربردار است اما بهتر بود تدوین‌کنندگان آن که در قوانین مختلف جستجو کرده و حقوق بنیادین شهروندی را در حاکمیت جمهوری اسلامی گردآوری کرده‌اند به حقوق خاص اقلیت‌ها نیز می‌پرداختند. البته در مقررات مختلف نیز بر حقوق خاصه این قشر به عنوان حقوق شهروندی آنها تأکید شده است. به طور مثال کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش در جلسه شماره ۲۹۸ خود در سال ۱۳۸۲ درباره شیوه استفاده دانش‌آموزان اقلیت‌های مذهبی شاغل به تحصیل در مدارس عادی از تعطیلات اعیاد مذهبی و مناسبت‌های ویژه مقرر کرده که این دانش‌آموزان از مفاد رای ۲۱۶ مورخ سال ۱۳۵۹ همین شورا مبنی بر تعطیلی دانش‌آموزان در مناسبت‌ها استفاده کنند. لذا به طور خیلی ظریف حق بر آموزش دانش‌آموزان اقلیت‌های دینی با حقوق فرهنگی و معنوی آنها جمع و در یک جامعه اسلامی شرایطی برای رسیدگی به امور مذهبی این افراد مهیا شده است (خداپرست سنگانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۰).

در زمینه حقوق فرهنگی نیز ماده ۳ ضوابط و مقررات تأسیس مراکز و مؤسسات و

کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی حق تأسیسی این مراکز را برای اقلیت‌های دینی در محدوده امور فرهنگی این اقلیت‌ها شناسایی کرده است.

۵. تفاوت صیانت از حقوق فرهنگی و آموزشی اقلیت‌های دینی با اقلیت‌های مذهبی

صیانت از حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران قطع نظر از اینکه با یک تبعیض مثبت به سود این اقلیت‌ها مواجه بوده است لیکن به جهت تفاوت ماهوی حقوق این دو قشر از حیث اجرایی باعث شده تا رویه‌ها و اشکال متفاوتی در تحقق حقوق اقلیت‌ها در ایران به وجود بیاید. ضمن اینکه در خصوص اقلیت‌های مذهبی به جهت مشترک بودن آنها با شیعیان اثنی‌عشری در اکثر آداب و سنن، نیاز کمتری به مراعات حقوق خاص آنها وجود دارد. بدیهی است که اقلیت‌های دینی و مذهبی در اصل حق بر آموزش با هم هیچ تفاوتی ندارند لیکن در خصوص اقلیت‌های دینی به جهت متفاوت بودن زبان مادری آنها و تعالیم دینی آنها با اصول معیار باید امتیازات ویژه‌تری داشته باشند. زیرا اقلیت‌های مذهبی با شیعیان اثنی‌عشری از حیث زبان دارای اشتراک هستند و در اصول عقاید نیز تا حد زیادی اشتراک دارند.

لذا حقوق فرهنگی و آموزشی اقلیت‌های دینی از لحاظ قانونی و در نظر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بیش از اقلیت‌های مذهبی مورد توجه قرار داشته است. توجه قانون اساسی به ضرورت وجود نمایندگانی از این اقلیت‌ها در مجلس شورای اسلامی هم می‌تواند بر ایجاد این حالت تأثیرگذار باشد در حالی که در خصوص اقلیت‌های مذهبی هیچ سهمیه فوق‌العاده‌ای برای حضور این افراد در مجلس وجود ندارد بلکه نمایندگان صرفاً بر اساس رأی مستقیم مردم همان محل انتخاب می‌شوند. این موضوع مانع رأی اقلیت‌های دینی به کاندیداهای غیراقلیت نیست و فقط امتیاز تبعیض مثبت را به نفع آنها روا داشته است.

۶. توازن حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در تضمین حقوق فرهنگی آموزشی اقلیت‌ها

رابطه متقابل میان حقوق و تکالیف باید بر اساس یک توازن باشد این تعادل میان حقوق و تکالیف برای پایداری روابط ضروری است. زمانی که روابط از تعادل خارج می‌شود احساس ظلم میان یکی از طرفین یا هر دو به وجود می‌آید در صورت تأکید صرف

بر حقوق نادیده گرفتن تکالیف و روحیه مسئولیت‌پذیری و نهایتاً سوءاستفاده از مفهوم حق حاصل می‌شود. نادیده گرفتن این موضوع سبب شده است که کمتر به تکالیف شهروندان در قوانین اساسی توجه شود زیرا عقیده بر این بوده است که تکالیف شهروندان باعث تضعیف موقعیت شهروندان و تقویت قدرت دولت می‌شود (علی‌الخصوص بعد از تجربه سوءاستفاده دولت‌ها در جنگ‌های جهانی از قدرت خود) در مقابل این دکتترین به نظر می‌رسد که تحولات سیاسی و اجتماعی اخیر این الگوی مفروض بودن حقوق انحصاری و ضرورت وجود دولت حداکثری را تغییر داده است. این موضوع روشن است که در صورت قائل شدن شأن حداکثری برای دولت و مکلف کردن آن به تأمین امنیت و مسکن و کار و نظایر اینها دیگر شهروندان نیاز مادی و حتی معنوی احساس نمی‌کنند که در صدد رفع آن برآیند. با عنایت به فلسفه وجودی دولت‌ها یا به عبارتی علت پیدایش حکومت و کارکرد دولت در جوامع مختلف که متأثر از تاریخ و فرهنگ و جامعه‌شناسی آن جوامع و همچنین جامعه بین‌المللی است، در اصول متعدد قوانین اساسی کشورها، برای شهروندان تکالیفی در نظر گرفته شده است که این تکالیف با توجه به فرهنگ و تاریخ و دین و نظایر اینها وضع شده است. مکاتبی چون لیبرالیسم و سوسیالیسم که دچار افراط و تفریط شده‌اند و محور اصلی و زیربنای تأسیس دولت متعددی در بلوک شرق و غرب گشته‌اند گاهی (در مکتب لیبرالیسم) حقوق ملت و دولت را بر مبنای حقوق طبیعی تبیین کرده‌اند که نتیجه آن تقدم آزادی فرد بر جامعه است و بالعکس این رویکرد در کشورهایی با صبغه سوسیالیسم در جریان است. علاوه بر این مکاتب، مکتب اسلام که یک دین سیاسی و اجتماعی است و تعادل در امور را یک ارزش می‌داند از تکالیفی مانند جهاد فی سبیل‌الله و امر به معروف یاد کرده است. اسلام که در مقایسه با دیگر ادیان صرفاً یک دین منحصر به عبادات نیست بلکه نظامی دولتی نیز می‌باشد توانسته در این زمینه بر قوانین برخی از کشورها در حوزه تکلیف شهروندان موثر باشد. با بررسی قوانین اساسی متعدد به نظر می‌رسد که یک آگاهی حداقلی در جامعه جهانی شکل گرفته است که افراد نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند در زمینه‌های گوناگون اعم از حوزه فرهنگ مسئولیت دارند. به عبارتی همان‌گونه که مطابق اصول سوم، سیزدهم و چهاردهم یکسری حقوقی در زمینه فرهنگ و تعلیمات دینی اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده است در مقابل باید برای رعایت این موازنه تکالیفی

متوجه اقلیت‌ها در این زمینه گردد. حق تأسیس انجمن و جمعیت طبق اصل ۲۶ قانون اساسی و حقوقی که بر اساس اصل ۱۳ شامل اقلیت‌ها می‌شود عبارتند از: حق داشتن اماکن مذهبی مخصوص به خود، حق مرمت و بازسازی اماکن مذهبی، انجام آزادانه آیین‌های مذهبی، حق اخذ مجوز و انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی، مجوز چاپ کتاب، امکان اشتغال در پست‌های دولتی و دانشگاهی، حق داشتن مدارس و قبرستان‌های خاص اقلیت‌ها، حقوق اقتصادی و مدنی، آزادی در احوال شخصیه و حق دسترسی به دادرسی عادلانه در احوال شخصیه بر اساس آیین‌های مذهبی از جمله حقوق مکتسبه این اقلیت‌ها می‌باشد. اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز تعهداتی دارند که در راس آنها، آشنایی از تاریخ و فرهنگ جامعه ملی از طریق آموزش، عدم نفرت‌پراکنی نسبت به جامعه ملی، اعمال فعالیت فرهنگی خود بر اساس احترام به تمامیت ارضی کشورها (بند ۴ ماده ۸ اعلامیه ۱۹۹۲ اقلیت‌ها و سند تفسیر آن)، رعایت قوانین ملی و هنجارهای بین‌المللی (بند ۲ ماده ۴ اعلامیه ۱۹۹۲ اقلیت‌ها و سند تفسیر آن) و وفاداری به جامعه ملی است.

در اسناد متعددی از جمله: گزارش رسمی «کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها (۱۹۴۷)، پیش‌نویس قطعنامه «تعریف اقلیت‌ها در راستای اهداف حمایتی ملل متحد» (۱۹۵۱)، سند گزارش کمیسیون فرعی به کمیسیون حقوق بشر پیرامون نظرات تعریف اقلیت (۱۹۸۷)، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی و سند تفسیر آن در ۲۰۰۵ و رویه قضائی بین‌المللی عنصر وفاداری مورد تأکید قرار گرفته است. آن دسته از اقلیت‌ها که فاقد وفاداری باشند، اساساً از دایره حمایتی اسناد بین‌المللی حقوق بشر خارج و از منظر این اسناد، اقلیت محسوب نمی‌شوند. چرا که رویکرد این اسناد منطبق بر منشور سازمان ملل متحد و در جهت صیانت از تمامیت ارضی و سایر اصول اساسی است. بر این اساس، در مقابل حقوقی که اقلیت‌ها از آن بهره‌مند هستند تکالیف متعددی وجود دارد که در صورت عدم رعایت این موارد یا ارتکاب اعمالی مخالف آن نظیر واگرایی، نفرت‌پراکنی یا تبلیغات جدایی‌طلبانه و سوءاستفاده از اصول ۱۳ و ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی شامل مصادیق تعریف اقلیت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نمی‌شوند و به تبع آن، مبنای حقوقی مشروع برای درخواست حقوق اقلیت‌ها، نیز ندارند.

در حال حاضر زرتشتیان ۹ مدرسه اختصاصی در تهران و حدود ۸ مدرسه دیگر در شهرستان‌ها دارند که در سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان فعالند. آنها همچنین دارای یک مرکز تربیت مربیان هستند که در انجمن موبدان تهران فعال است. طبیعی است که در صورتی که در این مراکز و مدارس به نفرت‌پراکنی و جدایی‌طلبی اقدام کنند این حق قانونی از آنان سلب خواهد شد.

۷. رویه‌های اساسی و قضائی در خصوص صیانت از حقوق فرهنگی و آموزشی اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی

مطالعه رویه‌های نظام حقوقی جمهوری اسلامی در زمینه احترام به حقوق شهروندی اقلیت‌ها در زمینه حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌ها می‌تواند تصویر بهتری را از وضعیت آنها به نمایش بگذارد.

۷-۱. نظرات شورای نگهبان

یکی از نظرات مهم شورای نگهبان در خصوص حقوق فرهنگی و معنوی اقلیت‌های دینی در نظر شورای نگهبان پیرامون طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی که با عنوان طرح اصلاح قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی تقدیم مجلس شده بود ابراز شده است.^۷ در تبصره ۵ ماده واحده اصلاح ماده ۵، مساجد و تکایا، حسینیه‌ها، دارالقرآن‌ها و مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از پرداخت بیست درصد سهم کارفرما در خصوص بیمه کارگران ساختمانی معاف شده بودند لیکن معافیت حق بیمه سهم کارفرما در خصوص مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت. این ایراد علاوه بر ایراد اصل ۷۵ بود. مجمع مشورتی فقهی در اظهار نظر خود معاف نمودن مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی از پرداخت بیست درصد «۲۰ درصد» سهم کارفرما و تأمین آن از محل تبصره ۱ این ماده را موجب تقویت اقلیت‌ها دانسته و به استناد نظر حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص. ۴۵۴، کتاب الحدود، القول فی احکام الابنیه، مسئله ۱ و ۲) حرام می‌داند. هر چند در نهایت در نظر ابرازی شورا به مجلس این موضوع در قالب دیگری اعلام شده است. شورا در نهایت اعلام کرده که مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی

دارای ابهام است و نیاز به رفع ابهام دارد. مجلس شورای اسلامی برای تأمین نظر شورا تبصره را به این صورت اصلاح کرده که: مراکز دینی از قبیل مساجد و تکایا، حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها از پرداخت بیست درصد (۲۰ درصد) سهم کارفرما معاف بوده و سهم کارفرما از محل ماده (۵) قانون تأمین می‌شود. در نهایت متن این تبصره به همین شکل مورد تصویب و تأیید قرار گرفته است.

در حقیقت مجمع مشورتی شورای نگهبان تبعیض مثبت به نفع اقلیت‌های دینی را با این استدلال که این تبعیض موجب تقویت اقلیت‌ها می‌شود خلاف شرع تشخیص داده است اما آنچه در نهایت در نظریه شورا منعکس شده است این استدلال و نتیجه نیست بلکه شورا صرفاً عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی» را مبهم و نیازمند رفع ابهام دانسته است. هر چند آنچه به عنوان تبصره ۳ ماده ۵ اصلاحی قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در قانون منعکس شده است با دارا بودن عبارت از «قبیل» می‌تواند موجب توسعه قانون به اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی از قبیل کلیساها، کنش‌ها و آتشکده‌ها و مدارس دینی آنها شود.

مطابق نظریه مجمع مشورتی فقهی کاهش حق بیمه مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی موجب تقویت آنها شده و حرام است اما مجمع در خصوص مراکز مذهبی اقلیت‌های مذهبی اظهارنظری نداشته است در حالی که اگر این استدلال را بپذیریم که کاهش حق بیمه کارگران ساختمانی که در حال ساخت مراکز مذهبی اقلیت‌ها می‌شود این موضوع هم در خصوص اقلیت‌های دینی و هم در خصوص اقلیت‌های مذهبی مصداق دارد. در حالی که مجمع مشورتی در خصوص اقلیت‌های مذهبی این ایراد را وارد نکرده است این در حالی است که از حیث مشابهت استدلال هر دو باعث تقویت دین و مذهب رسمی کشور نیست.

شاید در مقابل پاسخ داده شود که تقویت سایر مذاهب اسلامی به جهت اینکه در نهایت موجب تقویت اسلام است مورد خدشه قرار نگرفته است که به نظر می‌رسد استدلالی مطابق با واقع نیست و ایراد شورای نگهبان مؤید این مطلب است. ضمن اینکه می‌توان از عموم عبارت «از قبیل» تسری کاهش حق بیمه کارگران شاغل در ساخت اماکن مذهبی اقلیت‌ها را شامل مراکز مذهبی اقلیت‌ها نیز دانست.

به نظر می‌رسد که قانون اساسی با شناسایی اقلیت‌های دینی و مذهبی امکان تسری

امتیازات اتباع دین و مذهب رسمی را به سایر ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته است که در جهت احقاق حقوق شهروندی آنها گام‌های بعدی نیز برداشته شود. این موضوع هم با نظر نهایی شورای نگهبان هم با متن قانونی مصوب انطباق بیشتری دارد.

۲-۷. رویه قضائی

مطالعه رویه قضائی در خصوص موضوعات مختلف به جهت عدم وجود یک سامانه متمرکز و روزآمد که آراء قضائی در آن منعکس شود کمی مشکل است. لیکن با مطالعه در سامانه ملی آراء قضائی که فقط بخشی از آراء سنوات گذشته در آن ثبت شده است می‌توان به چند رأی محدود در خصوص رویه‌های قضائی مرتبط با حقوق معنوی و فرهنگی اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی پرداخت.

از این جمله می‌توان به آرائی اشاره کرد که نگهداری مشروبات الکلی را برای اقلیت‌های دینی فاقد وصف مجرمانه دانسته است. در همین خصوص رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۹ در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۳۰۱۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۵ که اشعار داشته «صرف حمل و نگهداری مشروب جهت مصرف شخصی و بدون تظاهر برای اقلیت‌های دینی فاقد وصف مجرمانه می‌باشد» قابل توجه است. هر چند در همین دادنامه حکم به معدوم شدن اصل مشروبات الکلی به جهت باطل بودن آن قرار گرفته است اما با توجه به اینکه فعل ارتكابی از سوی اقلیت‌های دینی بوده موضوع فاقد وصف کیفری است.

همین موضوع در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۰۹۷ مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۳^{۱۰} تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که نگهداری مشروبات الکلی برای اقلیت‌های دینی جرم نمی‌باشد از جهت اقلیت دینی بودن مرتکب و غیر قابل مجرمانه دانستن عمل فرد با توجه به ویژگی‌های فرهنگی وی موجب صدور رأی برائت در حق متهم شده است. مؤید این استدلال و محکم آن دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۰۲۷۳ مورخ ۷ خرداد ۱۳۹۳^{۱۱} دادگاه تجدیدنظر استان تهران است که شرب خمر و نگهداری مسکرات را توسط متهم به جهت اینکه شرع تابعه وی شرب خمر و نگهداری و ساختن آن را حرام اعلام نکرده است توجیه کرده و متهم را صرفاً به جهت در اختیار غیر قرار دادن آن مشروبات محکوم کرده است.

لذا اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی در رویه قضائی محاکم با توجه به وضعیت فرهنگی و معنوی خاص خودشان مورد دادرسی و صدور حکم قرار گرفته‌اند و این یک امتیاز شاخص برای افرادی است که با دارا بودن وصف اقلیت در نظام حقوقی، پیش‌داوری‌هایی در خصوص تزییع حقوق معنوی و فرهنگی آنها وجود دارد. در خصوص اقلیت‌های مذهبی نیز در رویه قضائی محاکم امتیازاتی ناظر به حقوق فرهنگی و معنوی این افراد مورد شناسایی قرار گرفته است. سابقه این موضوع در اصل ۱۲ قانون اساسی در خصوص پیروان مذاهب مصرح اسلامی مورد توجه قانون‌گذار اساسی بوده است.

دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۰۳۷۶ مورخ اول مرداد ۱۳۹۳^{۱۱} در خصوص مطالبه نحله از سوی اقلیت‌های مذهبی با نقض دادنامه فرجام خواهی شده و استناد به قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه اذعان داشته «زوجین به حوزه روحانیت (علمیه) احناف خوفاً معرفی تا با ملاحظه شرایط ضمن عقد نکاح و وضعیت زوجین در مورد تعلق نحله یا هر حق دیگری برابر مقررات مذهب زوج نظریه خود را اعلام دارند». لذا حقوق فرهنگی خاصی برای اقلیت‌های مذهبی به استناد قوانین مورد شناسایی قرار گرفته و دیوان عالی کشور در اجرای وظایف خود ضمن شناسایی حقوق این قشر خاص جامعه به ضرورت دادرسی مطابق فرهنگ و شرایط فقهی و معنوی متداعیین حکم کرده است.

نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی توانسته است با یک تعریف عرفی از حق فرهنگی و معنوی اقلیت‌های دینی و مذهبی بتواند در جهت تأمین و تضمین این حقوق با تأکید بر حق آموزش اقلیت‌ها گام‌های جدی بردارد. قوانین و مقررات مختلفی در جهت تأمین حق فرهنگی، معنوی و آموزش اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی تصویب و اجرا شده و می‌شود که از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی و از بین بردن هر گونه تبعیض نژادی ایران را در زمره عالی‌ترین کشورها در زمینه رعایت حقوق شهروندی قرار می‌دهد.

یادداشت‌ها

۱. وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ.
۲. ...إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ...
۳. ماده یک قانون قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش
4. <https://www.mashreghnews.ir/news/922674/%D%A%D/82/9D/84/9DB8/C%D/8AA-%D/87/9D/8A/9DB8/C-%D/8AF%DB8/C%D/86/9DB8/C-%D/8AF%D/8B1-%D/8A/9DB8/C%D/8B/1D/8A/9D86/9-%D/8A/9D/8B2-%DA/86/D87/9-%D/85/9D/8B/9D/8A/9D/87/9D/86/9D/8AF>
- مشاهده شده به تاریخ اول فروردین ۱۴۰۰.
5. <http://www.qavanin.ir/Law/TreeText/119005>
6. <http://www.qavanin.ir/Law/TreeText/121181>
۷. سامانه جامع نظرات شورای نگهبان.
۸. سامانه ملی آراء قضائی پژوهشگاه قوه قضائیه مشاهده شده به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۹:
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/6116>
۹. سامانه ملی آراء قضائی پژوهشگاه قوه قضائیه مشاهده شده به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۹:
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/3840>
۱۰. سامانه ملی آراء قضائی پژوهشگاه قوه قضائیه مشاهده شده به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۹:
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/3960>
۱۱. سامانه ملی آراء قضائی پژوهشگاه قوه قضائیه مشاهده شده به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۹:
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/22348>

کتابنامه

- قرآن کریم.
- تورات، سفر تثئیه، باب دوم، آیه ۳۴.
- اصغری آق مشهدی، فخرالدین (۱۳۸۷). «حقوق اقلیت‌ها از نظر پیامبر اسلام و حقوق ایران». مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، پاییز، (۲۳)، صص. ۲۷-۴۳.
- باقری، سجاد (۱۳۹۲). حقوق شهروندی غیر مسلمین در کشورهای اسلامی بر اساس قوانین اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران.

خداپرست سنگانی، کبری (۱۳۹۴). تأثیر عضویت ایران در اسناد بین‌المللی حقوق بشری در حقوق اقلیت‌های دینی در ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). تحریر الوسیله. کتاب الحدود، القول فی احکام الابنیه، بی‌جا: بی‌نا. رنجبر، روح‌الله (۱۳۸۹). «اقلیت‌های دینی و انقلاب مشروطیت». فصلنامه سیاسی - اقتصادی، بهار، (۲۷۷)، صص. ۱۱۶-۱۲۷.

زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی و محمدی، کیمیا (۱۳۹۲). «حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، بهار، (۱)، صص. ۴۹-۷۰.

شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۱). حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، قم: بوستان. صاحب‌جوهر، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیا. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس. طاهری، محمدباقر (۱۳۸۴). اسلام و اقلیت‌های مذهبی. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم. مظهرقراملکی، علی؛ قدرتی، فاطمه و نظری‌ملکی، سعید (۱۳۹۳). «معناشناسی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران». نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، پاییز، (۹)، صص. ۱۶۱-۱۹۰.

میلنر، آندرو و براویت، جف (۱۳۸۴). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر. ترجمه جمال محمدی، تهران: ققنوس.

نوریان، مهدی و آدینه، روح‌الله (۱۳۹۶). «دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق شهروندی در برخورداری‌های فرهنگی». فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، تابستان، (۳۱)، صص. ۶۷-

وبگاه‌ها

سامانه جامع نظرات شورای نگهبان

سامانه ملی آراء قضائی

سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

سایت اینترنتی مشرق نیوز





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی